

# پس از توافق: راهبرد انقلاب مدنی ایران در سناریوی تثبیت آتش‌بس آمریکا و جمهوری اسلامی

مقاله علمی - راهبردی برای اپوزیسیون برانداز، سکولار، دموکرات و ایران‌گرا

تاریخ تحلیل: ۲۴ مه ۲۰۲۶

تهیه شده برای: Mr Peyman Bakhshayesh, MD, PhD, MBA

یادداشت روش‌شناختی: این متن بر پایه سناریویی نوشته شده است که در آن توافق یا چارچوب آتش‌بس میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی تثبیت شود. گزارش‌های ۲۴ مه ۲۰۲۶ از «تقریباً مذاکره‌شده بودن» یک چارچوب و بازگشایی احتمالی تنگه هرمز سخن گفته‌اند، اما تا زمان نگارش، همه جزئیات، از جمله عدد و مفاد دقیق هر طرح، قطعی و رسمی نیست. بنابراین مقاله به‌جای قطعیت‌سازی، سناریونویسی راهبردی می‌کند.

[1-6]

## چکیده اجرایی

اگر دولت دونالد ترامپ، تحت فشار بحران انرژی، خطر گسترش جنگ منطقه‌ای، آسیب‌پذیری شرکای خلیج فارس، و هزینه‌های اقتصادی داخلی، به سمت یک توافق یا تمدید آتش‌بس با جمهوری اسلامی حرکت کند، اپوزیسیون ایران نباید این رخداد را پایان سیاست بداند؛ بلکه باید آن را تغییر میدان بازی تلقی کند. در چنین وضعیتی، راهبرد اصلی از «انتظار مداخله خارجی» باید به «فرسایش مشروعیت داخلی، سازمان‌دهی غیرخشونت‌آمیز، ائتلاف حداقلی و اعتصاب‌های مدنی» تغییر کند. پژوهش‌های کلاسیک مقاومت مدنی نشان می‌دهد که جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز هنگامی شانس موفقیت بیشتری دارند که مشارکت گسترده، انضباط

تاکتیکی، شبکه‌سازی محلی، ریزش در ستون‌های حامی حکومت و چشم‌انداز انتقال سیاسی داشته باشند.

[7-10]

شاهزاده رضا پهلوی، با تأکید بر سکولار دموکراسی، تمامیت ارضی، صندوق رأی و پلورالیسم سیاسی، در حال حاضر یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای وحدت‌ساز اپوزیسیون است؛ اما نماد وحدت جایگزین سازمان اجتماعی نمی‌شود. خلأ اصلی اپوزیسیون نه فقدان چهره، بلکه فقدان سازوکار اتصال میان کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، اصناف، شبکه‌های حقوقی، رسانه‌های تبعیدی و هسته‌های محلی داخل کشور است. راهبرد پیشنهادی این مقاله، ساختن «ائتلاف حداقلی گذار» حول چهار اصل مشترک است: نفی جمهوری اسلامی، حفظ ایران، حکومت قانون سکولار، و مراجعه نهایی به رأی آزاد مردم.

## ۱. وضعیت جدید: از جنگ بیرونی به میدان داخلی

گزارش‌های ۲۴ مه ۲۰۲۶ از سوی Reuters، AP، Guardian و دیگر منابع نشان می‌دهند که واشنگتن و تهران به چارچوبی برای پایان دادن به جنگ، تمدید آتش‌بس، بازگشایی تنگه هرمز و شروع گفت‌وگوهای بعدی نزدیک شده‌اند. برخی گزارش‌ها از تمدید ۶۰ روزه آتش‌بس و برخی از چارچوب‌های مرحله‌ای صحبت کرده‌اند؛ اما کاخ سفید و تهران هنوز همه مفاد را به صورت نهایی و حقوقی اعلام نکرده‌اند. [1-6]

برای اپوزیسیون ایران، نکته کلیدی این نیست که کدام بند از توافق دقیقاً چه می‌گوید؛ بلکه این است که اگر دولت آمریکا به این نتیجه برسد که هزینه شکست کامل جمهوری اسلامی بیش از منفعت آن است، میدان اصلی مبارزه دوباره به داخل ایران بازمی‌گردد. در این وضعیت، امید به بمباران، فروپاشی فوری یا تغییر رژیم از بیرون، به‌تنهایی نه راهبرد است و نه برنامه. راهبرد باید بر منطق جامعه، اقتصاد، مشروعیت، سازمان و انتقال سیاسی بنا شود.

## ۲. چرا واشنگتن ممکن است به توافق موقت رضایت دهد؟

ایالات متحده ممکن است از منظر هزینه - فایده به چند ملاحظه هم‌زمان رسیده باشد: نخست، ایران از نظر جغرافیا، جمعیت و عمق اجتماعی، کشوری کوچک و قابل اشغال نیست. دوم، جمهوری اسلامی هرچند از نظر

مشروعیت داخلی و زیرساخت نظامی ضربه خورده باشد، هنوز ابزارهای سرکوب، شبکه‌های امنیتی، نیابتی‌ها و ظرفیت اختلال منطقه‌ای دارد. سوم، بستن یا ناامن کردن تنگه هرمز می‌تواند بازار انرژی، تورم جهانی و سیاست داخلی اروپا و آمریکا را تحت فشار قرار دهد. گزارش‌های اخیر نیز تنگه هرمز را یکی از محورهای اصلی توافق احتمالی دانسته‌اند. [1-6]

چهارم، کشورهای عربی خلیج فارس - امارات، قطر، عمان، بحرین، کویت و عربستان سعودی - در صورت ادامه جنگ، در معرض آسیب انرژی، حملات موشکی، اختلال در حمل و نقل، و فشار امنیتی قرار می‌گیرند. پنجم، دولت ترامپ ممکن است بخواهد از یک جنگ بلندمدت پرهزینه فاصله بگیرد و دستاورد خود را به عنوان «صلح از موضع قدرت» معرفی کند. این محاسبه به معنای مشروعیت دادن اخلاقی به جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه نشان می‌دهد که سیاست خارجی قدرت‌ها غالباً بر ترکیب منافع، هزینه‌ها، بازار انرژی، امنیت متحدان و افکار عمومی داخلی استوار است.

### ۳. محدودیت‌های رهبری نمادین و ضرورت سازمان اجتماعی

نقش شاهزاده رضا پهلوی در اپوزیسیون را باید با دقت و انصاف تحلیل کرد. او برای بسیاری از ایرانیان نماد سکولاریسم، تداوم تاریخی ایران، تمامیت ارضی، مخالفت با اسلام سیاسی، و پذیرش رأی مردم است. این سرمایه سیاسی مهم است. اما انقلاب مدنی فقط با سرمایه نمادین پیش نمی‌رود. انقلاب، به‌ویژه انقلاب غیرخشونت‌آمیز، نیازمند سازمان، هماهنگی، تقسیم کار، پیام واحد، شبکه‌های امن ارتباطی، پیوند با مطالبات صنفی و اقتصادی، و سازوکار انتقال قدرت است.

مشکل اصلی این است که شاهزاده رضا پهلوی، به دلیل حضور فیزیکی نداشتن در ایران، پایگاه طبقاتی مشخص در جنبش کارگری یا معلمان نداشتن، و تلاش برای ماندن بالای رقابت‌های حزبی، نمی‌تواند به تنهایی مدیریت خرد و روزمره انقلاب را از پایین به بالا انجام دهد. این نقطه ضعف شخصی نیست؛ واقعیت ساختاری تبعید سیاسی است. بنابراین اپوزیسیون باید میان «رهبری نمادین» و «رهبری عملیاتی اجتماعی» تمایز بگذارد.

## ۴. درس‌های تطبیقی از انقلاب‌ها و گذارها

تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهند که سقوط یا تغییر رژیم‌ها معمولاً از سه مسیر هم‌زمان عبور می‌کند: بحران مشروعیت، نافرمانی سازمان‌یافته، و شکاف در ستون‌های قدرت. در انقلاب ۱۳۵۷ ایران، اعتصاب نفت و پیوند بازار، دانشگاه، روحانیت و شبکه‌های محلی به فروپاشی دولت پهلوی کمک کرد؛ اما فقدان برنامه دموکراتیک و غلبه نیروی ایدئولوژیک - مذهبی، نتیجه را به استبداد تازه کشاند. درس امروز روشن است: اعتصاب و بسیج اجتماعی بدون منشور گذار، تضمین‌کننده آزادی نیست.

در لهستان، اتحادیه همبستگی نشان داد که جنبش کارگری وقتی با کلیسا، روشنفکران، رسانه‌های زیرزمینی و حمایت بین‌المللی پیوند بخورد می‌تواند رژیم کمونیستی را به میز مذاکره بکشد. در آفریقای جنوبی، ترکیب فشار داخلی، اعتصابات، تحریم‌ها، مذاکره و رهبری سیاسی، گذار از آپارتاید را ممکن کرد. در صربستان، جنبش Otpor نشان داد که انضباط غیرخشونت‌آمیز، طنز سیاسی، شبکه‌های دانشجویی و ائتلاف انتخاباتی می‌تواند رژیم میلوسویچ را شکست دهد. در تونس، بحران اقتصادی و خشم اجتماعی با شبکه‌های صنفی و اتحادیه‌ای پیوند خورد و روند گذار را آغاز کرد؛ هرچند حفظ دموکراسی پس از انقلاب دشوار ماند.

این نمونه‌ها یک قاعده مشترک دارند: پیروزی فقط با خشم حاصل نمی‌شود. خشم موتور است؛ سازمان فرمان است؛ ائتلاف جاده است؛ برنامه انتقال نقشه است؛ و انضباط غیرخشونت‌آمیز ترمز ایمنی است.

## ۵. نظریه مقاومت مدنی: چرا اعتصاب و عدم همکاری اهمیت دارد؟

پژوهش‌های اریکا چنووت و ماریا استفان نشان داده‌اند که کمپین‌های غیرخشونت‌آمیز در قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم، به‌طور کلی در دستیابی به اهداف سیاسی خود موفق‌تر از کمپین‌های خشونت‌آمیز بوده‌اند و پس از موفقیت نیز احتمال بیشتری داشته که به نتایج دموکراتیک‌تر و کم‌خشونت‌تر برسند. [7-10] این یافته به معنای تضمین پیروزی نیست؛ رژیم‌های اقتدارگرا آموخته‌اند که چگونه اعتراضات را سرکوب، منحرف یا فرسوده کنند. اما همچنان قاعده راهبردی معتبر است: هرچه مشارکت گسترده‌تر، مطالبات روشن‌تر، تاکتیک‌ها متنوع‌تر و انضباط غیرخشونت‌آمیز بیشتر باشد، هزینه سرکوب برای حکومت بالا می‌رود.

اعتصاب کارگری، عدم همکاری اداری، تعطیلی نمادین دانشگاه‌ها، تحریم‌های مدنی، شبکه‌های حقوقی، ثبت مستندات سرکوب، و اعتصابات صنفی، زمانی مؤثر می‌شوند که پراکنده و احساسی نباشند، بلکه در یک زنجیره فشار طراحی شوند. هدف از اعتصاب، تخریب زیرساخت عمومی یا آسیب به مردم نیست؛ هدف، نشان دادن این است که حکومت بدون رضایت و همکاری جامعه نمی‌تواند عادی‌سازی کند.

## ۶. صورت‌بندی راهبردی پس از توافق احتمالی

پس از توافق احتمالی، جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد جنگ را پایان‌یافته اعلام کند، شکست نظامی را پنهان کند، اقتصاد را تا حدی تنفس دهد، اینترنت را کنترل‌شده باز کند، و جامعه را به بازگشت به «زندگی عادی» دعوت کند. اپوزیسیون باید این لحظه را نه با ناامیدی، بلکه با تغییر تاکتیک پاسخ دهد. اگر اینترنت بازتر شود، فرصت شبکه‌سازی و روایت‌سازی افزایش می‌یابد. اگر حکومت بخواهد مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات، بنادر، کارخانه‌ها و بازار را به حالت عادی برگرداند، جنبش مدنی باید نشان دهد که عادی‌سازی بدون پاسخ‌گویی، آزادی زندانیان سیاسی، پایان حجاب اجباری، حق تشکل و گذار سیاسی پایدار نخواهد بود.

راهبرد پیشنهادی، چهار مرحله دارد:

۱. مرحله آگاهی: تبدیل احساس شکست یا خشم به تحلیل مشترک؛ توضیح این‌که توافق خارجی پایان مبارزه نیست، بلکه انتقال میدان به داخل جامعه است.
۲. مرحله ائتلاف حداقلی: توافق نیروهای برانداز بر اصول مشترک، بدون اجبار به وحدت ایدئولوژیک یا حزبی.
۳. مرحله عدم همکاری هدفمند: طراحی کنش‌های صنفی، دانشجویی، حقوقی و مدنی که هزینه حکمرانی را بالا می‌برد اما جان مردم و زیرساخت‌های عمومی را هدف نمی‌گیرد.
۴. مرحله انتقال: آماده‌سازی منشور گذار، شورای موقت، تضمین حقوق اقلیت‌ها، بی‌طرفی ارتش، عدالت انتقالی، و انتخابات آزاد تحت نظارت معتبر.

## ۷. ائتلاف حداقلی: فرمول همکاری میان پادشاهی خواهان،

### سوسیال دموکرات ها و جمهوری خواهان سکولار

بزرگترین خطر اپوزیسیون، فرسایش درون گروهی است. تجربه انقلاب ها نشان می دهد که رژیم های فرسوده معمولاً با قدرت خود زنده نمی مانند؛ با تفرقه مخالفان زنده می مانند. ائتلاف حداقلی به این معنا نیست که پادشاهی خواه، جمهوری خواه، سوسیال دموکرات، لیبرال، فمینیست، کارگر، دانشجو و ملی گرا هویت خود را کنار بگذارند. به این معناست که همگی بپذیرند تصمیم نهایی درباره شکل حکومت، پس از سقوط جمهوری اسلامی و در صندوق رأی آزاد گرفته شود.

چهار اصل مشترک می تواند ستون ائتلاف باشد:

- نفی جمهوری اسلامی به عنوان نظام ولایت فقیه و حکومت ایدئولوژیک.
- حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران، همراه با حقوق برابر همه شهروندان.
- سکولاریسم حقوقی: جدایی نهاد دین از دولت و قانون گذاری.
- انتخابات آزاد، پلورالیسم حزبی، آزادی رسانه و حق تشکل.

## ۸. نقشه کنش مدنی: از هسته های محلی تا اعتصاب سراسری

هسته های آزادی خواه باید کوچک، منعطف، غیرمتمرکز و مبتنی بر اعتماد اجتماعی باشند. نقش این هسته ها نه انجام خشونت، نه تخریب، و نه ماجراجویی امنیتی است؛ بلکه آموزش سیاسی، کمک رسانی، مستند سازی، پشتیبانی حقوقی، هماهنگی پیام و اتصال مطالبات محلی به روایت ملی است. در چنین الگویی، هر بخش جامعه وظیفه متناسب خود را دارد: کارگران مطالبات معیشتی و حق تشکل را پیش می برند؛ معلمان و دانشجویان مطالبه آزادی آموزش، اینترنت آزاد و آزادی زندانیان را مطرح می کنند؛ زنان محور مبارزه علیه کنترل بدن و زندگی خصوصی می شوند؛ بازنشستگان بحران معیشت را نمایندگی می کنند؛ اصناف و کامیون داران هزینه عادی سازی اقتصادی را نشان می دهند.

اعتصاب سراسری فقط با فراخوان ناگهانی شکل نمی‌گیرد. اعتصاب سراسری نتیجه انباشت اعتماد، صندوق‌های حمایتی، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، هماهنگی بین صنف‌ها، و پیام روشن است. اعتصاب بدون حمایت اجتماعی می‌تواند فرسوده شود؛ اعتصاب با حمایت محلی، رسانه‌ای، حقوقی و مالی می‌تواند به ستون اصلی نافرمانی مدنی تبدیل شود.

## ۹. جدول راهبردی: بازیگران، نقش‌ها و ریسک‌ها

| بازیگر/حوزه                | نقش راهبردی                                 | مطالبه محوری                          | ریسک اصلی                     | اقدام کاهش ریسک                                         |
|----------------------------|---------------------------------------------|---------------------------------------|-------------------------------|---------------------------------------------------------|
| کارگران نفت، گاز، پتروشیمی | افزایش هزینه حکمرانی اقتصادی                | حق تشکل، دستمزد، پایان سرکوب          | اخراج، بازداشت، جایگزینی نیرو | صندوق حمایتی، مستندسازی، پیوند با خانواده‌ها و رسانه‌ها |
| کامیون‌داران و حمل‌ونقل    | اختلال مدنی در عادی‌سازی اقتصادی بدون تخریب | امنیت شغلی، سوخت، بیمه، کرامت صنفی    | اتهام امنیتی، فشار مالی       | کنش مرحله‌ای، مطالبات صنفی روشن، پرهیز از خشونت         |
| معلمان و دانش‌آموزان       | مشروعیت اخلاقی و اجتماعی                    | آموزش آزاد، اینترنت آزاد، امنیت مدارس | سرکوب اداری و امنیتی          | حمایت والدین، بیانیه‌های صنفی، شبکه حقوقی               |

| بازیگر/حوزه                   | نقش راهبردی                                 | مطالبه محوری                            | ریسک اصلی                       | اقدام کاهش ریسک                                |
|-------------------------------|---------------------------------------------|-----------------------------------------|---------------------------------|------------------------------------------------|
| دانشجویان                     | شبکه‌سازی، تولید روایت، بسیج نمادین         | آزادی دانشگاه، زندانیان سیاسی           | تعلیق، بازداشت، نفوذ امنیتی     | انضباط غیرخشونت‌آمیز، مستندسازی، شبکه‌های کوچک |
| زنان                          | محور اخلاقی انقلاب علیه کنترل بدن           | لغو حجاب اجباری، برابری حقوقی           | خشونت خیابانی و قضایی           | حمایت حقوقی، رسانه‌ای و پزشکی                  |
| اپوزیسیون خارج کشور           | رسانه، دیپلماسی، منابع مالی، لابی حقوق بشری | حمایت بین‌المللی از مردم، نه جنگ نیابتی | تفرقه، خودمحوری، رقابت رسانه‌ای | منشور حداقلی، تقسیم کار، شفافیت مالی           |
| شاهزاده رضا پهلوی و تیم سیاسی | نماد وحدت و مشروعیت‌گذار                    | انتخابات آزاد و سکولار دموکراسی         | انتظار بیش از حد از رهبری فردی  | تفویض عملیاتی به شبکه‌های تخصصی و اجتماعی      |

## ۱۰. ماتریس تصمیم‌گیری پس از توافق

| سناریو                                  | احتمال نسبی | پیامد برای حکومت                             | پیامد برای اپوزیسیون                                 | پاسخ راهبردی                                         |
|-----------------------------------------|-------------|----------------------------------------------|------------------------------------------------------|------------------------------------------------------|
| توافق محدود و شکننده                    | بالا        | تنفس کوتاه‌مدت، اما بحران مشروعیت ادامه دارد | فرصت سازمان‌دهی در فضای نیمه‌باز                     | ائتلاف حداقلی، شبکه‌سازی، تمرکز بر مطالبات اقتصادی   |
| توافق گسترده و رفع بخشی از فشار اقتصادی | متوسط       | حکومت تلاش می‌کند عادی‌سازی کند              | خطر کاهش خشم خیابانی، اما مطالبات آزادی باقی می‌ماند | تبدیل شعار سیاسی به مطالبات حقوقی، صنفی و قانون‌محور |
| شکست توافق و بازگشت جنگ                 | متوسط       | سرکوب به بهانه امنیت ملی افزایش می‌یابد      | خطر نظامی شدن فضای اپوزیسیون                         | تأکید بر حفاظت از مردم، عدم خشونت، مستندسازی جنایات  |
| فروپاشی تدریجی اقتصادی پس از توافق      | بالا        | تورم، بیکاری و بحران خدمات ادامه می‌یابد     | فرصت پیوند معیشت و آزادی                             | اعتصابات صنفی مرحله‌ای و صندوق‌های حمایتی            |

## ۱۱. پیام سیاسی پیشنهادی برای دوران پس از توافق

پیام اپوزیسیون باید از واکنش احساسی به توافق فراتر برود. پیام مرکزی می‌تواند چنین باشد: «توافق شما با جهان، حساب شما را با مردم ایران پاک نمی‌کند.» این پیام باید با چهار مطالبه همراه شود: آزادی زندانیان سیاسی، اینترنت آزاد و پایدار، حق تشکل مستقل، و تعیین تکلیف آینده ایران از طریق انتخابات آزاد پس از گذار.

اپوزیسیون نباید طوری سخن بگوید که گویی مردم ایران ابزار سیاست خارجی آمریکا یا اسرائیل هستند. باید برعکس نشان دهد که مردم ایران صاحب اصلی کشورند و هیچ توافق بین‌الدولی نمی‌تواند مسئله مشروعیت داخلی را حل کند. اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد «حکومت متعارف» شود، نخست باید قواعد حکومت متعارف را بپذیرد: پاسخ‌گویی، آزادی، قانون، انتخابات، و پایان سرکوب.

## ۱۲. توصیه‌های اجرایی غیرخشونت‌آمیز

۵. تشکیل «اتاق فکر مشترک گذار» در خارج کشور با حضور طیف‌های گوناگون، نه برای تعیین شکل نهایی حکومت، بلکه برای تدوین حداقل‌های گذار.
۶. ایجاد صندوق‌های شفاف حمایتی برای خانواده‌های زندانیان، کارگران اخراج‌شده، دانشجویان تعلیق‌شده و معلمان تحت فشار.
۷. طراحی تقویم اعتراضات مدنی کم‌ریسک: روزهای نمادین، تحریم‌های مدنی، بیانیه‌های صنفی و کمپین‌های حقوقی.
۸. ترجمه مطالبات داخلی به زبان دیپلماتیک برای دولت‌های غربی: حقوق بشر، اینترنت آزاد، حق تشکل، آزادی زندانیان و انتخابات آزاد.
۹. تفکیک روشن میان مقاومت مدنی و خشونت. خشونت خیابانی کنترل روایت را از جنبش می‌گیرد و به حکومت بهانه امنیتی می‌دهد.
۱۰. تولید محتوای آموزشی درباره تجربه لهستان، آفریقای جنوبی، صربستان، تونس و انقلاب ۱۳۵۷ ایران با تمرکز بر درس‌های موفقیت و شکست.

۱۱. دعوت از شاهزاده رضا پهلوی به ایفای نقش «ضامن پلورالیسم و داوری صندوق رأی»، نه رهبر حزبی یک جناح خاص.

## ۱۳. نتیجه‌گیری

توافق احتمالی دولت ترامپ با جمهوری اسلامی، اگر رخ دهد، ممکن است برای بخشی از اپوزیسیون تلخ و ناامیدکننده باشد. اما سیاست با احساس شکست پایان نمی‌یابد. اگر جنگ تمام شود، بحران مشروعیت جمهوری اسلامی تمام نمی‌شود. اگر تنگه هرمز باز شود، تورم، سرکوب، فساد، حجاب اجباری، بحران آب، بحران آموزش، و شکاف میان مردم و حکومت از بین نمی‌رود. اگر آمریکا به توافق برسد، مردم ایران هنوز حق دارند آینده خود را مطالبه کنند.

راهبرد درست پس از توافق، عبور از انتظار بیرونی به سازمان‌دهی درونی است. اپوزیسیون باید خودخواهی‌ها را مهار کند، حداقل‌های مشترک را بپذیرد، نقش شاهزاده رضا پهلوی را به‌عنوان نماد وحدت و سکولار دموکراسی تقویت کند، اما مسئولیت سازمان‌دهی اجتماعی را به شبکه‌های صنفی، مدنی و محلی بسپارد. انقلاب آینده، اگر بخواهد به آزادی ختم شود، باید نه فقط علیه جمهوری اسلامی، بلکه علیه تکرار خطاهای انقلاب ۱۳۵۷ نیز باشد: بی‌برنامگی، حذف‌گرایی، خشونت، و سپردن آینده به یک نیروی انحصارطلب. ایران پس از جمهوری اسلامی باید با صندوق رأی، حکومت قانون، عدالت انتقالی و احترام به تکثر ساخته شود.

## منابع و ارجاعات

- [1] Reuters. (24 May 2026). Trump says Iran deal is “largely negotiated”, would reopen Strait of Hormuz.
- [2] Reuters / Axios report. (24 May 2026). Proposed US-Iran deal involves opening strait during 60-day ceasefire extension.
- [3] Associated Press. (24 May 2026). Trump says a deal with Iran and opening of Strait of Hormuz are “largely negotiated”.
- [4] The Guardian. (23–24 May 2026). Reports on proposed Iran ceasefire deal, Strait of Hormuz, sanctions and assets.
- [5] UK House of Commons Library. (24 April 2026). US-Iran ceasefire and nuclear talks in 2026.

- [6] Al Jazeera. (3–7 May 2026). Reports on Iran's 14-point proposal and US proposals to end the war.
- [7] Chenoweth, E., & Stephan, M. J. (2011). *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. Columbia University Press.
- [8] Stephan, M. J., & Chenoweth, E. (2008). *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. *International Security*, 33(1), 7–44.
- [9] Pinckney, J. (2018). *When Civil Resistance Succeeds: Building Democracy after Popular Nonviolent Uprisings*. International Center on Nonviolent Conflict.
- [10] Chenoweth, E. (2020). *The Future of Nonviolent Resistance*. *Journal of Democracy* / related Carr Center research discussions on mass mobilization and democratic outcomes.
- [11] Sharp, G. (1973). *The Politics of Nonviolent Action*. Porter Sargent.
- [12] Nepstad, S. E. (2011). *Nonviolent Revolutions: Civil Resistance in the Late 20th Century*. Oxford University Press.